

حضور قرآن در غرب

قرآنی که برای اولین بار در جهان غرب عرضه شد، بیشک علاوه بر نسخه اصل عربی، به زبان دیگری نیز بود. تاکنون بیش از دویست و نود و پنج ترجمه کامل و یکصد و سی و یک ترجمه ناقص یا برگزیده از قرآن مجید به زبان انگلیسی نشر یافته شده است. نخستین ترجمه ناقص در سال 1515 م و اولین ترجمه کامل انگلیسی توسط الکساندر راس اسکاتلندی از روی ترجمه فرانسوی قرآن، انجام و در سال 1649 م منتشر شد (اسعدی، مرتضی، کتابشناسی جهانی قرآن مجید، 40).

بیش از ششصد سال است که قرآن و آموزه‌های آن وارد جهان غرب شده و تاکنون بیش از 6 ترجمه معروف و معتبر انگلیسی با نثر روان انگلیسی - آمریکایی، در غرب به چاپ رسیده است.

ترجمه جورج سیل (1734 م): تا سال 1980 م یکصد و پنج بار.

ترجمه رادول (1861 م): تا 1980 م: سی و دو مرتبه.

ترجمه پالم (1880 م): تا سال 1980 م: پانزده مرتبه.

ترجمه پیکتال (1930 م): تا سال 1980 م: بیست و چهار بار.

ترجمه ن. ج. داود (1956 م): بعدها انتشارات پنگوئن چاپ کرد.

ترجمه آرتور آربری (1955 م): بارها در ایران و اروپا چاپ شد.

بعد از ورود قرآن به اروپا و جهان غرب، سیلی از نظرات و عقاید پیرامون اسلام به راه افتاد تا جایی که امروزه عده‌ای با نام اسلام‌شناس یا خاورشناس (Orientalist) شناخته شده‌اند که نظرات خود در مورد قرآن و اسلام را از روی بینش و تعصب بیان می‌کنند.

قرآن از دوره رنسانس مورد توجه و تحقیق تعدادی از دانشمندان غربی قرار گرفت. از رنسانس (Renaissance) در فارسی به «عصر نوزایی تجدید حیات، احیا و ...» یاد می‌شود (دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا) و در اصطلاح به دوره‌ای می‌گویند که در اواخر سده‌های میانی و آغاز سده چهاردهم به وجود آمد و تا سده شانزدهم ادامه یافت.

رنسانس تنها یک دوره زمانی نبود، بلکه یک شیوه زندگی و تفکر بود که از راه‌های مختلفی چون بازرگانی، جنگ و اندیشه‌ها از ایتالیا آغاز شد و به سراسر اروپا گسترش یافت و منشاء آن دین‌فروشی، دنیا خواهی ارباب کلیسا در قرون وسطی و سیاستمدار شدن فلاسفه بود.

تفکرات اندیشمندان غربی پیش از رنسانس نظیر اگوستین (Agostin)، آکویناس (Aquinas) نسبت به اندیشه‌های دانشمندان دوران رنسانس بسیار متفاوت بود؛ به طوری که تأکید متفکران دوره رنسانس بیشتر بر نفی کلیسا، مذهب و حتی امور اخلاق بود تا جایی که وقتی نوبت به

نیچه رسید، با گفتن این جمله که «خدا مرده است» (مجموعه مقالات غرب و غربشناسی، تهران، صدا و سیما، 49) مرگ خدای مسیحیت را اعلام کرد. تفکرها و ژرفنگریها پیرامون قرآن از این زمان شروع شد و به سرعت رشد یافت و در پی آن گرایشی از دین شناسی با نام اسلامشناسی - ابتدا به صورت نظریه پردازی و بعد آکادمیک - روی کار آمد (حتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، 109) و به دنبال آن نظرها و عقاید قابل توجهی از آموزه‌های قرآن به دست آمد.

دیدگاه‌ها

در این بخش نظر برخی اندیشمندان بزرگ غربی را، درباره ماهیت قرآن بیان و بررسی می‌کنیم.

الف) دیدگاه‌های علمی برگرفته شده از علوم طبیعی:

اندیشمندانی که نظرات خود را پیرامون قرآن با دید علمی بیان کرده‌اند.

1. دکتر جرنیه فرانسوی

«من تمام آیه‌های قرآن را که در زمینه علوم طبیعی، بهداشت و طب بودند، مطالعه کردم و آنها را مطابق دقیق‌ترین قانون‌های علوم طبیعی و پیچیده‌ترین اصول ثابت شده علوم عقلی دیدم و یقین کردم که هزار سال قبل جز خدا، هیچ کسی بر روی زمین، از آن قوانین و اصول آگاه نبود، پس به حقانیت و خدایی بودن چنین کتابی ایمان آوردم (راتلج، ادیان جدید در دیدگاه‌های جهانی، 193).

2. ریتو بنورث

«علوم طبیعی، فلکی و فلسفه از قرآن اقتباس شده است و علما مدیون قرآن هستند» (همان، 200).

3. موريس بوكاي

«بررسی کامل عینی و بیطرفانه قرآن در پرتو دانش نو ما را به درک توافق بین این دو (قرآن و علم) رهنمون می‌سازد و این حقیقت را نیز روشن می‌سازد که در زمان محمد، نه او و نه هیچ انسان دیگری، نمی‌توانست چنین مطالب شگفت‌انگیزی را که مطابق علم امروز است، به

رشته تحریر در آورد» (نظریه دانشمندان جهان درباره قرآن و محمد، 32؛ نژیرو، جان، مطالعات قرآنی، 251).

4. پروفیسور ها نری کربن (فیلسوف معاصر فرانسوی)

«اگر اندیشه‌های محمد خرافی بود یا اگر او پیامبر خدا نبود، هیچ‌گاه جرات نمی‌کرد حرفی از علم به میان آورد و بشر را به علم دعوت کند» (همان، 30).

5. ج . م . رودول (اسلام شناس انگلیسی)

«قرآن مقام والایی دارد، زیرا نام خداوند و خالق جهان و ستایش او را در میان ملل بت‌پرست نشر داد و آن را به همه کس اعلام کرد. اروپا نباید فراموش کند که مدیون قرآن است؛ همان کتابی که آفتاب علم را در میان تاریکی قرون وسطا (Dark Era) در اروپا جلوه‌گر ساخت» (همان، 30).

ب) دیدگاه‌های ادبی:

در این قسمت نظر اندیشمندی که عقاید خود درباره قرآن را با دید ادبی بیان کرده‌اند ذکر می‌کنیم:

1. گوته

«اگرچه ما همواره از قرآن روی بر می‌گردانیم و در همان مرحله اول اظهار تنفر می‌نماییم، اما خیلی زود ما را به سوی خود جذب و شگفتزده می‌کند و در نهایت ما را وا می‌دارد که در مقابل آن سر تعظیم و احترام فرود آوریم. سبک و اسلوب قرآن و هماهنگی و توافق آن بامحتوا و هدفش محکم و استوار، بسیار عالی و باشکوه، با هیبت و دارای رفعتی حقیقی و ابدی است... ، از این رو این کتاب در تمام زمان‌ها تأثیری نیرومند به جای می‌گذارد.»
وی در جایی دیگر می‌گوید:

«قرآن اثری است که خواننده در آغاز (احیانا) به واسطه سنگینی عبارتش رمیده می‌شود، ولی سپس شیفته جاذبه آن می‌گردد و سرانجام بی‌اختیار مجذوب زیبایی‌های متعددش می‌شود» (اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، 44).

2. ولتر

«اگر تمام قرآن را از اوّل تا آخر بخوانید، يك واژه کودکانه در

آن نخواهید یافت. قرآن در حقیقت مجموعه‌ای است از پندهای اخلاقی، دستورهای دینی، راز و نیاز به درگاه خداوند، هشدار و تشویق جهانیان و شرح سرگذشت فرستادگان خدا» (ونزبرو، جان، همان، 202).

3. جان دیون پورت

مؤلف کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» می‌نویسد: «قرآن به اندازه‌ای از نقائص مبرا و منزّه است که نیازمند کوچک‌ترین تصحیح و اصلاحی نیست و ممکن است از اول تا به آخر آن خوانده شود، بدون آنکه انسان کم‌ترین خستگی از آن احساس کند». «و همه این معنی را قبول دارند که قرآن با رساترین و فصیح‌ترین زبان و به لهجه قبیله قریش که نجیب‌ترین و مؤدب‌ترین عرب‌ها بودند، نازل شد ... و پر از درخشنده‌ترین شکل‌ها و محکم‌ترین تشبیه‌ها است» (همان، 252).

ج: دیدگاه‌های جامعه‌شناختی:

دیدگاه اندیشمندانی که عقاید خود درباره قرآن را با دید جامعه‌شناختی بیان می‌کنند:

1. جی مارگولیوت

«اقرار می‌کنم که قرآن مهم‌ترین موقعیت را در میان کتاب‌های مذهبی جهان به خود اختصاص داده است. گرچه قرآن در این طبقه ادبیاتی جوان‌ترین اثر به حساب می‌آید؛ تأثیر شگرفی را که بر عده زیادی از مردم گذاشته است، همچنان به دیگران ارزانی می‌دارد. این کتاب برای اولین بار از افراد ناهمگون قبایل صحرائی در شبه جزیره عرب، امتی از قهرمانان ساخت و آنان نیز به نوبه خود اقدام به ایجاد چنان سازمان‌های وسیع سیاسی مذهبی در جهان اسلام نمودند که یکی از بزرگ‌ترین نیروهای است که اروپا و غرب برای آن حساب ویژه‌ای باز نموده‌اند» (قرآن و دیگران، 13؛ وات، مونتگمری، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطا، 43).

2. جان دیون پورت

«قرآن تا آن حد معجزه‌جاوید شناخته شده است که محمد (ﷺ) آشکارا فصیح‌ترین مردان آن روز عربستان را به مبارزه دعوت نمود تا يك سوره مانند قرآن بیاورند. قرآن مانند اناجیل نیست که فقط به عنوان میزان و شاخصی درباره عقاید دینی، عبادت و عمل پیروان

آن شناخته شده باشد؛ بلکه دارای مکتب و روش سیاسی نیز هست. کلیه مسایل حیاتی و مالی با اجازه همین منبع و مصدر قانون‌گذاری حل می‌شود. در میان محسّنات زیادی که قرآن به حق واجد آن است، دو نکته بسیار مهم وجود دارد؛ یکی لحن تعظیم و تکریم هنگام ذکر نام خداوند و دیگری وجود نداشتن فکر، بیان یا داستانی خلاف تقوا یا حاکی از سوء اخلاق و بی‌عفتی و عدم طهارت که آن را معیوب و لکه‌دار نماید، در صورتی که با کمال تأسف این نواقص در موارد بسیار زیادی در کتب یهود دیده می‌شوند» (همان، 43).

3. دکتر گوستاولوبون مورخ بزرگ و مشهور فرانسوی

«قرآن که کتاب آسمانی مسلمانان است، به تعالیم و دستورات مذهبی منحصر نمی‌شود، بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی و اجتماعی، خیرات، نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام به والدین، کمک کردن به بیوه و یتیم و سرپرستی آنان، نیکی کردن در مقابل بدی و... که در موارد متعددی به آن‌ها تأکید شده، و در آن تمام این صفات و خصلت‌های پسندیده تعلیم داده شده است» (همان، 50).

د: دیدگاه‌های حقوقی و قانون‌گذاری:

دانشمندانی که بر پایه حقوقی و قانون‌گذاری نظریاتی درباره قرآن ارائه کرده‌اند:

1. ویل دورانت (ت: 1885)

«رفتار دینی در قرآن شامل رفتار دنیوی نیز هست و همه امور آن از سوی خدا و به طریق وحی آمده است. قرآن مقرراتی شامل ادب، تندرستی، ازدواج، طلاق، رفتار با فرزندان و حیوان و بردگان، تجارت، سیاست، ربا، دین، عقود، وصایا، امور صناعت، مال، جریمه و مجازات و جنگ و صلح است. قرآن در جان‌های سالم، عقایدی آسان و دور از ابهام پدید می‌آورد که از رسوم و تشریفات ناروا و قید بت‌پرستی و کاهنی آزاد است. قرآن اصول نظم جمعی و وحدت اجتماعی را در بین مسلمانان استوار کرده است» (اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، 45).

2. ادوارد گیسبون

«قرآن دستور عمومی و قانون اساسی مسلمین است؛ دستوری است شامل مجموعه قوانین دینی، اجتماعی مدنی، تجاری، نظامی، قضایی، جنایی و

جزایي» (اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، 60؛ وات، مونتگمري، همان، 100).

3. هربرت جرج ولز

«قرآن بهترین راهنمای يك عقیده قلبی یعنی توحید و اخلاق فاضله است. شاید نیروی معنوی این کتاب منحصر به سادگی اوامر و نواهی آن باشد؛ چنان که گاهی يك کلمه آن چند حقیقت را در بر می‌گیرد. قرآن کتاب علمی، دینی، اجتماعی، تربیتی، اخلاقی و تاریخی است. مقررات و احکام آن با اصول قوانین و مقررات دنیای امروزی هماهنگ و برای همیشه قابل پیروی و عمل است» (تابش اسلام در اروپا، 133).

برای درک بهتر تأثیرگذاری قرآن بر بشر جا دارد آرای 2 تن از شخصیت‌های مشهور تاریخ را بیان کنیم.

1. ناپلئون بناپارت (1821 – 1769)

«قرآن به تنهایی عهده‌دار سعادت بشر است. امیدوارم آن زمان دور نباشد که من بتوانم همه دانشمندان و تحصیل‌کردگان تمامی کشورها را با یکدیگر متحد کنم و نظامی يك نواخت، فقط بر اساس اصول قرآن مجید که اصالت و حقیقت دارد و مردم را به سعادت می‌رساند، تشکیل دهم» (اعترافات دانشمندان بزرگ جهان؛ Courville, Mathieu, the) (Next Step in Studying Religion)

2. آلبرت اینشتاین (1955 – 1879)

«قرآن کتاب جبر یا هندسه یا حساب نیست، بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه راست، راهی که بزرگ‌ترین فلاسفه دنیا از تعیین و تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند» (همان، 66؛ Courville, Mathieu, 124).

بررسی دیدگاه‌ها

نگاهی موشکافانه به دیدگاه‌های این بزرگان روشن می‌سازد که نظر آنان از دو چشمه جاری شده است.

الف) نظرات برگرفته از زمینه علمی —

تحقیقا تي:

به طوري که افراد با استفاده از پیشینه علمي خود در زمینه آموزش و پژوهش، اتفاقات و پدیده‌هاي هستي (Universal Phenomena) را تحليل کرده و در مورد آن نظر داده‌اند. (Carrette Jeremy, Religion and Critical Psychology, p: 163)

براي مثال دکتر جزینه فرانسوي که مدتها با علوم پزشکی سروکار داشت، علت اصلي مسلمان شدن خود را دریافت دقیقترین نوع قوانین طبیعی (Natural Laws) از قرآن کریم میداند که نمونه‌اي منحصر به فرد و ستوني است. این دست از نظرات را در اظهارات بزرگاني چون گوته، هانري کربن و... میتوان دید.

ب) نظرات برگرفته از تجربیات:

به هر حال تمام انسانها با داشتن تفکرات متفاوت و با تجربیات متفاوت تر از دنیا خارج میشوند. همان طور که میدانیم نگاهی به پلي از گذشته یا نگاهی به تاریخ، جلوه‌اي از به کارگیری احساسات و تجربیات گذشتگان میباشد (Jeremy, Religion and Critical Psychology, 163).

در این مقاله با نظرات جالبی آشنا شدیم. اما یکی از این نوع گفتارها که تجربه و احساس نقش عظیمی در آن ایفا میکنند گفتار ناپلئون بناپارت در مورد اسلام و قرآن میباشد. (Bonapart et Islam - Napoleon Bonaparte) که به دنبال تشکیل نظامی مقتدر و نیرومند و سازمان یافته بود که بر اساس قرآن و اصول آن هدایت شود. (Napoleon Said "I hope that in the near future I will have the chance to gather together the wise and cultured people of the world and establish a government that I will operate in accordance with the principles written in Qur'an al - karim").

نتیجه‌گیری

اندیشمندان با توجه به حقایق و آموزه‌هاي شگفت‌انگیز قرآن و بدون توجه به زندگی مسلمانان امروزي به حقانیت دین اسلام پی می‌برند و جالب این که عده‌اي از آنها بعد از پذیرش دین اسلام اعلام میکنند که مسلمانان خود از آموزه‌هاي قرآن و اسلام فاصله گرفته‌اند و خدا را شکر گذراند که قبل از آشنایی با مسلمانان، با قرآن و حقیقت اسلام

آشنا شده‌اند. اندیشمندان و دانشمندان را در دو گروه می‌توان جای داد:

گروه اول: با انصاف و بدون اغراض سیاسی و تنها با نیت تحقیق و کشف حقیقت به بررسی قرآن پرداخته‌اند و بیشتر آنان عضو آکادمی‌های بزرگ علمی معتبرند و خود به اسلام گرویده‌اند.

گروه دوم: نتایج تحقیقات خود را در اختیار افرادی گذاشته‌اند که از بیداری مسلمانان و توجه دوباره آنان به قرآن، در هراسند، تا بتوانند راه‌های پیشرفت مسلمانان را ببندند.

**نویسنده: دکتر سید رضا مؤدب
مجید دانشگر**

منابع:

مجله تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان - شماره 6